

درد بی خویشتی

بررسی مفهوم الیناسیون
در فلسفه غرب

نجف دریابندری

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر اسیم
تهران-۱۳۹۸

فهرست

یادداشت نویسنده / هفت
پیش‌گفتار / ۱

بخش یکم: از دکارت تا شلینگ / ۵

- فصل اول: دکارت و اسپینوزا / ۷
- فصل دوم: دانش تجربی / ۲۵
- فصل سوم: مردم‌شناسی روشن‌اندیشان / ۴۰
- فصل چهارم: وضع طبیعی و جامعه مدنی / ۵۰
- فصل پنجم: واکنش رمانتیک / ۶۲
- فصل ششم: آزادی از لحاظ کانت / ۷۴
- فصل هفتم: روسو و روزگار تباه انسان / ۱۰۰
- فصل هشتم: جهان ذهنی فیخته / ۱۱۸
- فصل نهم: سقوط روح شلینگ / ۱۳۳

بخش دوم: هگل / ۱۵۵

- فصل دهم: نوشته‌های کلامی هگل / ۱۵۷
- فصل یازدهم: همانستی و دیگرستی / ۱۷۴
- فصل دوازدهم: دستگاه هگلی (۱): سفر جسمانی روح / ۱۷۸
- فصل سیزدهم: دستگاه هگلی (۲): منطق عینی / ۲۰۵
- فصل چهاردهم: دستگاه هگلی (۳): پدیده‌شناسی روح / ۲۳۳
- فصل پانزدهم: خواجه و بنده / ۲۶۳
- فصل شانزدهم: آگاهی والا و آگاهی پست / ۲۹۱
- فصل هفدهم: دورنمای تاریخی / ۳۲۰
- فصل هجدهم: کار حقیقی و کار بی‌خویشتن / ۳۴۰

پیش‌گفتار

مفهوم alienation، که در زبان فارسی غالباً به «ازخودبیگانگی» و گاه به «بی‌خویشتنی» یا «ناخویشتنی» و نیز به انواع عبارات دیگر ترجمه شده است، در فلسفه غرب سابقه مفصلی دارد. ریشه این اصطلاح فرانسوی و انگلیسی، کلمه لاتینی alius (دیگر) است. پسوند en در زبان لاتینی صفت‌ساز است. بنابراین alien به معنای منسوب به دیگر یا «دیگری» است. اگر یای آخر این کلمه را علامت نسبت در نظر بگیریم، مانند یای آخر کلمه «خودی» به معنای منسوب به خود. از صفت alien (دیگری) فعل alienare ساخته شده است، به معنای «دیگری کردن» یا «از آن شخص دیگر کردن»، یا به عبارت جاری‌تر «انتقال به غیر». کلمه «الیناسیون» اسم فعلی است به همین معنی. مورد استعمال اصلی آن مناسبات حقوقی است. به معنای سلب یا فک حقی از یک شخص و انتقال آن به شخص دیگر، چنان‌که در هر معامله‌ای روی می‌دهد.

در روان‌شناسی و روان‌پزشکی «الیناسیون» عبارت است از حالت ناشی از اختلال روانی، یا به اصطلاح جاری «روانی» بودن. البته این معنی هم با مفهوم حقوقی کلمه مربوط است؛ زیرا از یک طرف «روانی» (aliéné, alienated) شخصی است که سلامت عقل خود را از